

ROBERT KIRKMAN

CHARLIE ADLARD

DAVE McCAIG

THE WALKING DEAD

DELUXE

image

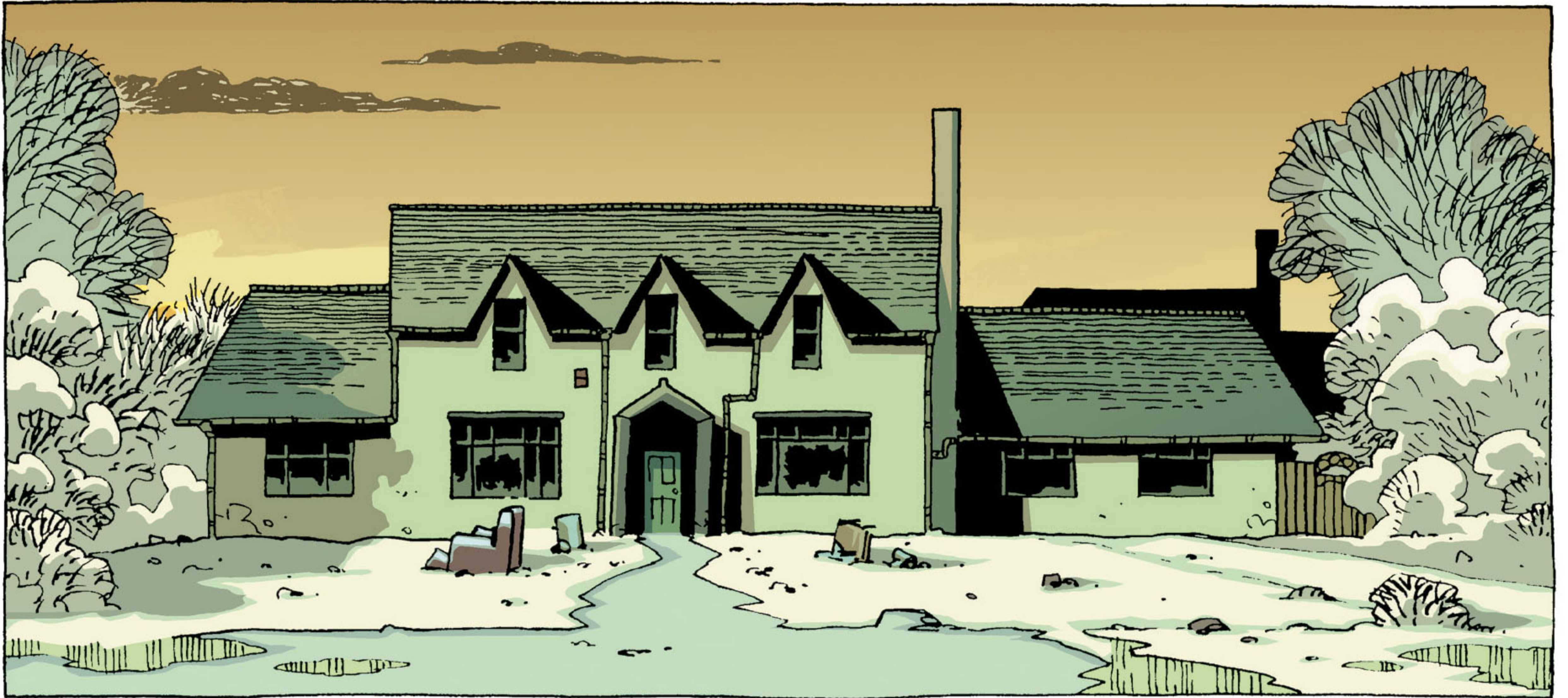
9
FEB

SKYBOUND

2010-2020

dorname

dorname.ir





شششش

بیدارش می کنی.



می بخشی. از کی بیداری؟



چند دقیقه ای می شه... نیم ساعت. راستش نمی دونم. زیاد نیست.

نگاش کن، خیلی بیخیال خوابیده. از وقتی هریسون کانتی رو ترک کردیم اینطور نخوابیده بود.



نمی توئم تصور کنم این ماجراها تا چه حد براش سخت بوده... جیم و امی... همه مسائل... نمی دونم چطور دوام آوردم.



داشتیم به این چیزها فکر می کردم. این بچه کوچولو که قراره به دنیا بیاد هرگز نمی دونه دنیا چه شکلی بوده... چی می گم کارل هم خیلی چیزها یادش می ره.

هرگز نمی فهمه گرفتن گواهینامه چه معنی داره یا با یه دختر سینما رفتن...



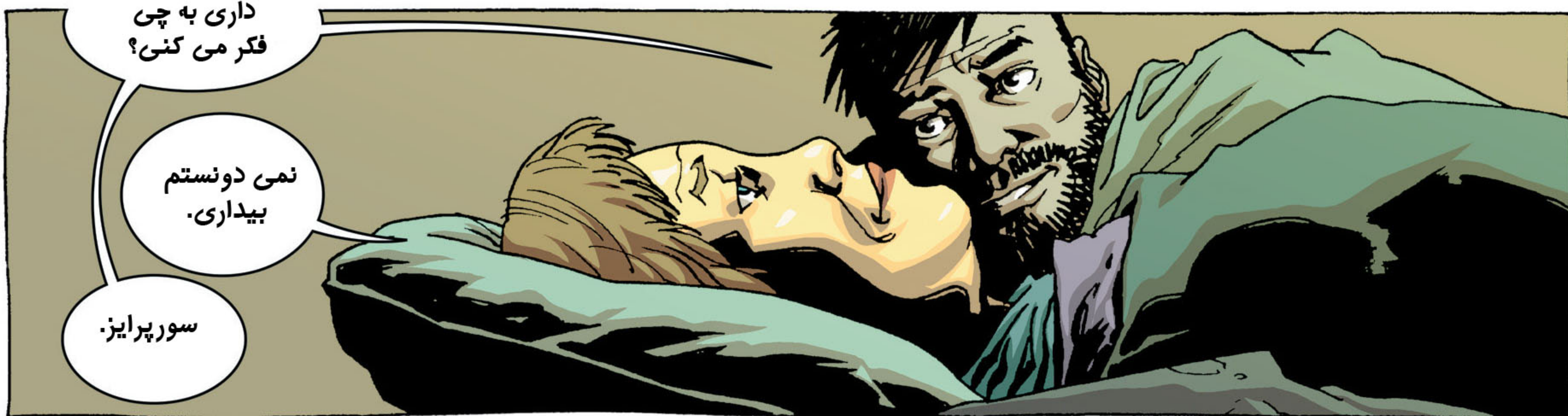
ریکه، فکر می کنی هرگز نتونن مسائل رو به حال اولش برگردونن؟



نمی دونم.

امیدوارم.





داری به چی فکر می کنی؟

نمی دونستم بیداری.

سورپرایز.



فکر کنم بشه اینجا راحت بود.

و بعد این مکان که پیداش کردیم... جای مناسبی برای شروع دوباره است. یه جای جدید که همش به ما تعلق داره و اگه نیمی از خونه های اطراف به این خوبی باشند، همه ما می تونیم راضی باشیم. این مکان... عالییه.

...همه

می تونند راضی باشند. همشون آدم های خوبی هستند. باورم نمی شه به همچین آدم هایی برخوردیم. نمی شد همسایه هایی بهتر از این افراد پیدا کنیم.

ما واقعاً خوش شانس هستیم.

وقتی می بینم که چطور تونستند اون اتفاقات بد رو فراموش کنند... بهم امید می ده.

داشتم به آندریا و دیل فکر می کردم... هر دو اونها کسانی رو که دوست داشتند از دست دادند... کسانی رو که خیلی بهشون نزدیک بودند... ضربه خیلی شدیدی بهشون وارد شده... ولی اونها تونستند سر پا بایستند. الان می بینم که با هم خوشحالند.



فکر کنم جوابتو گرفتی!

راجع به چی حرف می زنید؟

می خواهی راجع به چیزای مهمتر حرف بزنیم؟

حق با توه. اگه این مسئله به سرانجام خوبی برسه، موفق شدیم. خیلی وقته تا این حد خوشحال ندیدمت دانا.

صبح بخیر. امروز
بخش جذاب کار شروع
می شه. باید به گروه های
کوچیک تقسیم بشیم و کل
خونه ها رو بگردیم، یا هر
تعداد که می تونیم.

باید دنبال
محصولات کنسرو
شده، وسایل کمک های
اولیه بگردیم... و مهمتر از
همه اینکه از امنیت این محل
مطمئن بشیم مبدا مهمون
ناخونده ای داشته باشیم
که تو یکی از سوراخ ها
پنهان شده
باشه.

سلاح هاتون
دستتون باشه و
آماده شلیک. ممکنه
خیلی خطرناک باشه، پس
چشمهاتونو باز نگه دارید و
هوشیار باشید.

همچنین
یادتون باشه که
قراره در آینده تو
این خونه ها پخش بشیم
و توشون زندگی کنیم،
پس هر وقت از یکی از
اونجا خوشتون اومد بدقت
کنترلش کنید. به نظر می رسه
کار زیادی داشته باشیم،
پس مواظب
باشید.



پدر، ممکنه منو و
کریس اینجا بمونیم؟
ما می ترسیم. نمی خواهیم
تو خونه های تاریک
جستجو کنیم.

خواهش
می کنم.

باشه. اونجا اینجا
پیش آندریا و بچه ها
می موندند. مسئله مهمی
نیست. اونجا طرز استفاده از
سلاح رو هنوز یاد
نگرفتند.

دانا، آلن، تاريس
و کارول تو یه تیم جستجو
خواهند بود. من، لوری، گلن
و دیل تو یه گروه دیگه.
خوبه؟

پس من
می رم از توی
ماشین یه تفنگ برای
تاريس بیارم.





تیم من، بیایید
از اونطرف خیابون کارو
شروع کنیم. تایریس، گروه
تو خونه های این دست
خیابون رو کنترل کنند.
من با اسلحه
برمی گردم.

حیات ها
رو سریع
پاکسازی کنید.
خیلی سریع قبل از
اینکه وارد خونه ها
باشیم.



قراره سرگرم-
کننده باشه... مثل
یکی از اون
نمایشگاه های
خونگی، ولی بهتر.

فکرشو
بکن همه این
خونه ها خالی
باشند.



من و کارول می ریم
حیات های پشتی رو
چک کنیم. چند ثانیه
بیشتر زمان نمی بره.



باشه.
ما می ریم
اطراف گاراژ
رو کنترل
کنیم.

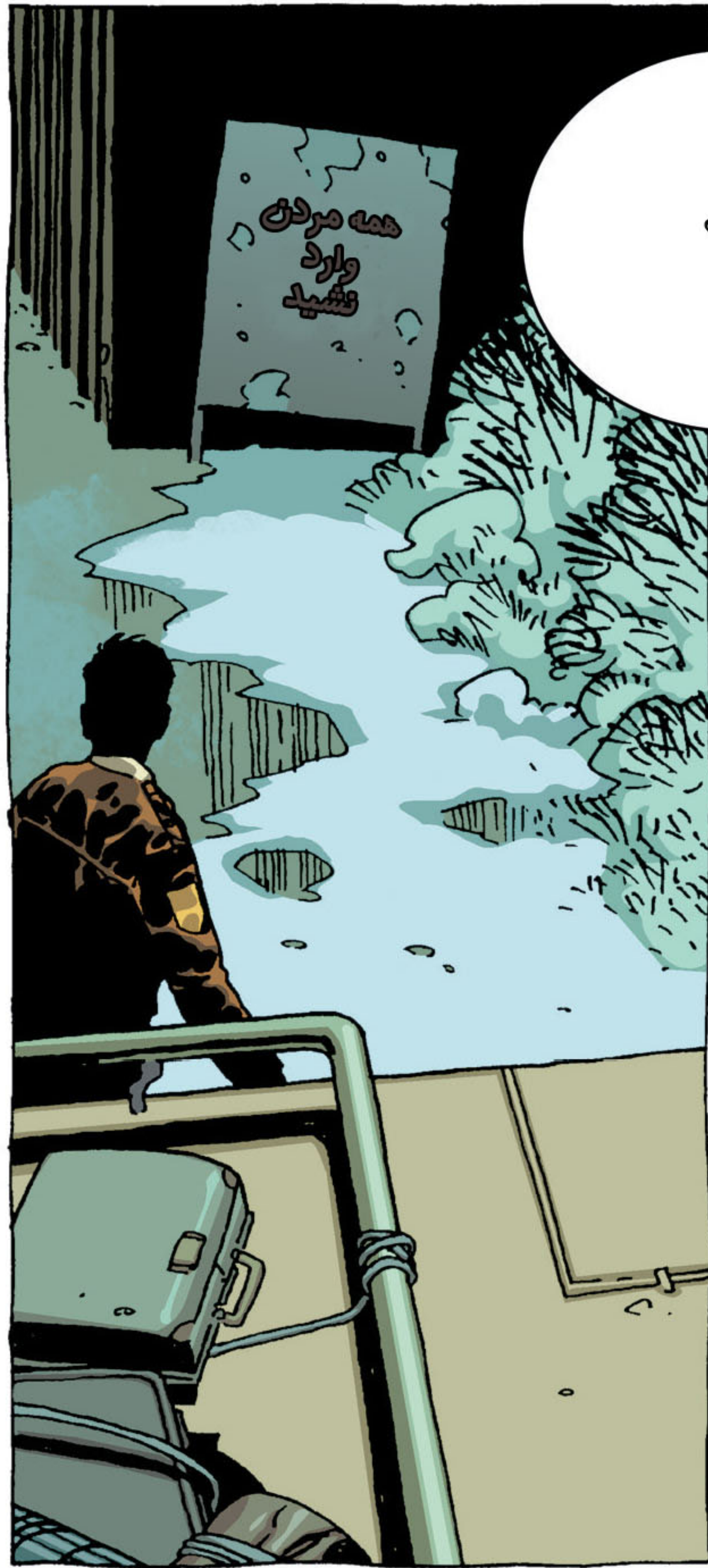
راستش...
من می خوام
برم یه نگاهی
به داخل
بندازم.



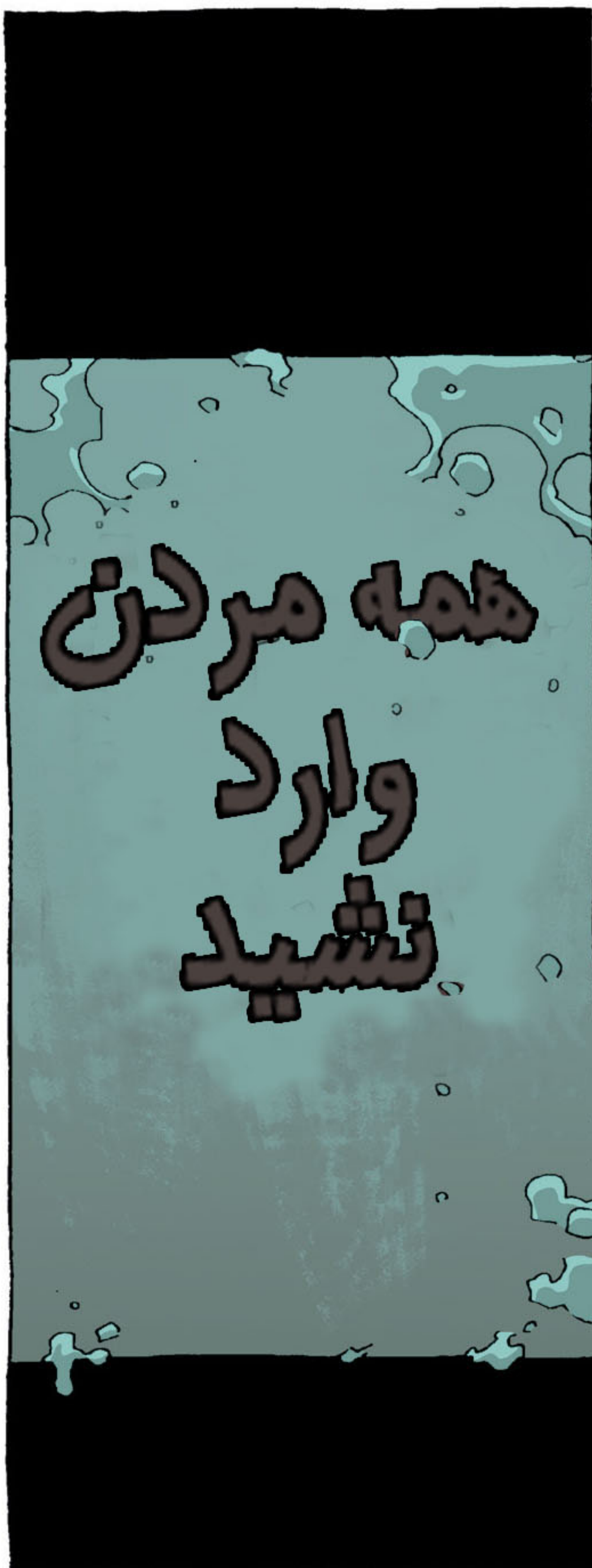
مراقب باش
هان. کامل نرو
تو. از پنجره ها داخل
رو کنترل کن. منتظر
بمون تایریس تغنگشو
بگیره، بعد بریم
داخل.



تو بیش
از حد
نگرانی.



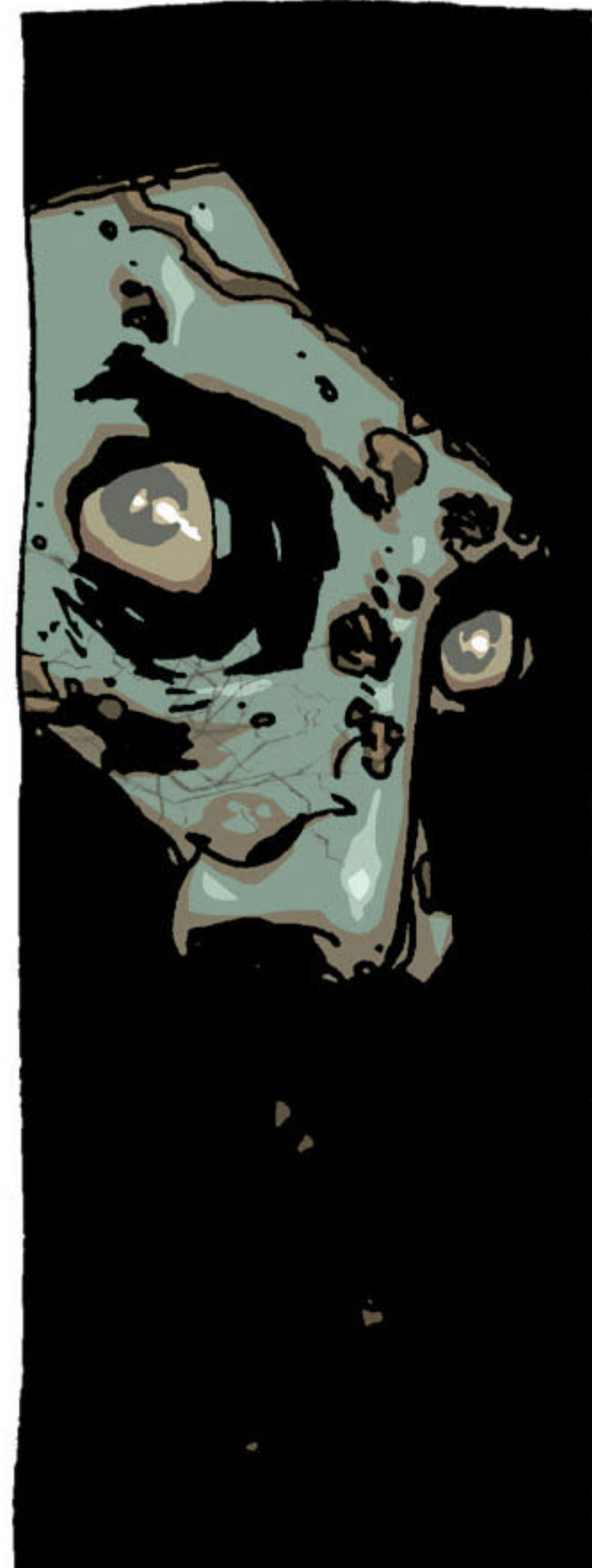
چی؟



لعنتی.











اگه الان
نریم، هر دو
مردیم!

BLAM!



عجله کنید!



دیل! ماشینو
روشن کن! باید
با عجله از اینجا
بریم!

کمک
کنید
بچه ها رو
بیاریم!



دنبال من
بیایید!

خدای
من!



بچه ها رو
بیارید! داریم
می ریم!

صدای
شلیک بود؟



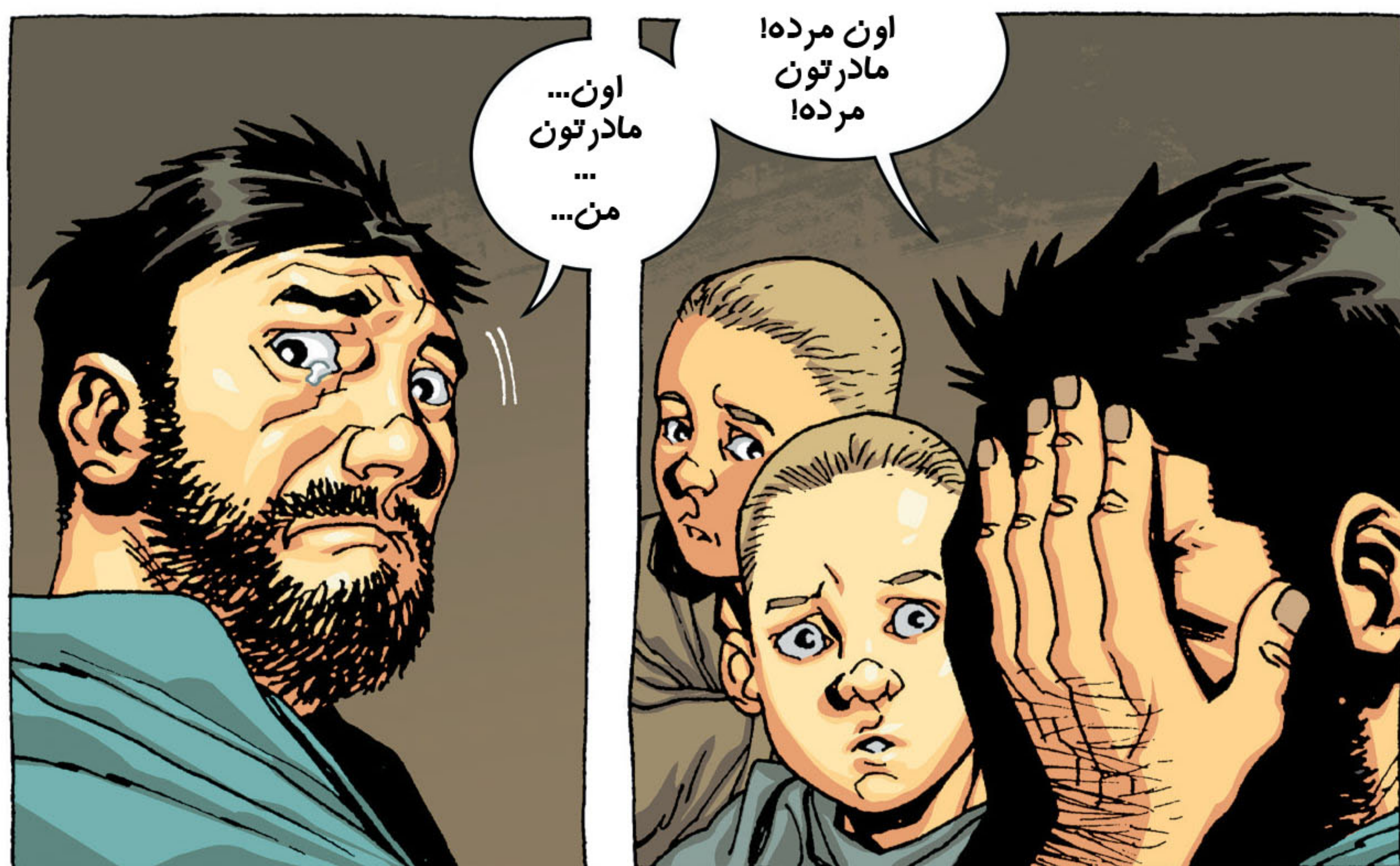
جولی و
کریس کجا
هستند!؟

لعنتی!
اونها رفتند
طبقه بالا.

من میارمشون!
شما برید سوار
ماشین بشید!









متأسفم آلن.
من نمی دونم
چی باید
بگم.

پس
چیزی نگو.
فقط تنهام
بذار.



من
نگرانشم.

این کار چه فرقی به حالش
داره؟ تنها کاری که به درد
آلن می خوره اینه که زنشو
سالم برگردونیم پیشش...
که نمی تونیم.

بذار
عزاداریشو
بکنه... تا جایی که
می تونه و می خواد.
نمی دونی آدم وقتی
همسرشو از دست
می ده چه حسی داره.
اون الان وسط
جهنمه.



هیچ لوییای سبزی نمونده.
ذرت هم نداریم... تقریبا همه
چیز تموم شده.

ایکاش می تونستیم
قبل از فرار اون غذاهای
کنسرو شده رو
برداریم.

خدایا...
می خواهیم
بکنیم؟



مراقب باشید
بچه ها... برای هر
اتفاقی آماده
باشید.



لعنت.

هر چیزی که
نیاوردیم نابود
شده. چرا باید
کسی این کارو
بکنه؟



کی
می دونه...
اصلا خوب
نیست.



بدون غذا
چیکار
می تونیم
بکنیم؟

در آینده
کلی شکار
داریم.

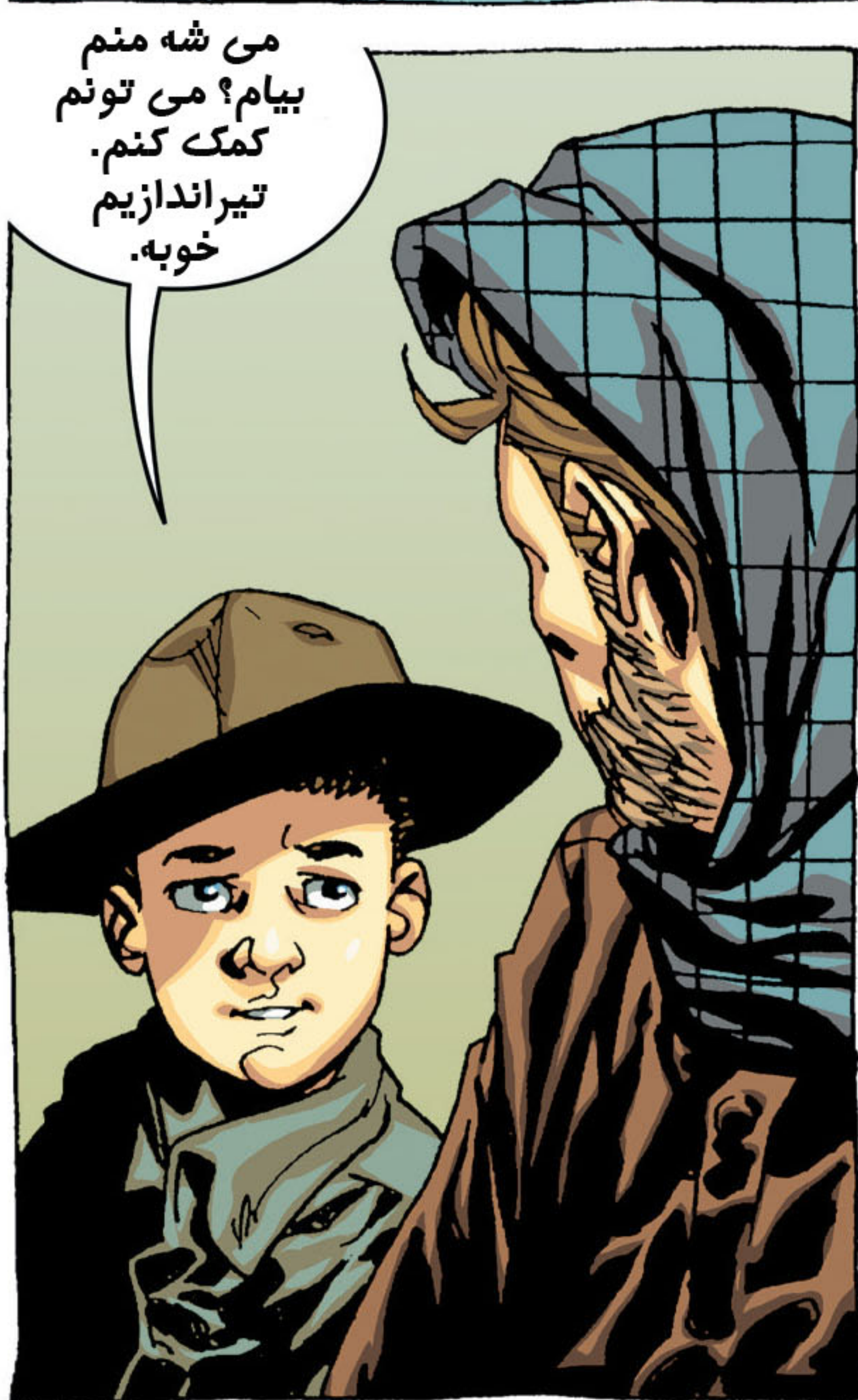


زیاد نباید بیرون
بمونیم. حتی اگه چیزی
پیدا نکنیم قبل از تاریک
شدن هوا باید برگردیم.

اگه چیزی
دیدید، یه گلوله
شلیک کنید، خیلی
زود خودمونو
می رسونیم.

اتفاقی
نمی افته.
فقط چیزی برای
خوردن پیدا
کنید.

ببینم
چی کار
می تونم
بکنم.



می شه منم
پیام؟ می تونم
کمک کنم.
تیراندازیم
خوبه.



می دونم.
می تونی بیایی، ولی
تا وقتی نگفتم، شلیک نکن.
وقتی چیزی برای شکار پیدا
کردیم بهتره نترسونیش.



باشه
پدر.
ما داریم
می ریم.
وقتی
نیستم
مراقب آلن
باش
عزیزم.



کی می دونه
الان تو سرش
چه خبره.

می ترسم
بلایی سر
خودش بیاره...



فکر می کنی آلن
بلائی سر خودش
بیاره؟

یه هفته پیش
از من خواست تا
بین مرده ها رهانش
کنم. نمی دونم این مرد
چه حالی داره... نمی دونم
قادر به انجتم چه
کارهاییه.



فکر نکنم به دیگران
آسیب بزنه. آلن پدر خوبی
و مرد فوق العاده ایه. فکر
نکنم تا این حد
پیش بره.

ولی باید
بگم که... بعد
از اتفاقی که برای
شین افتاد...
دیگه راجع به
چیزی مطمئن
نیستم.



آره،
کارول چند
روز پیش راجع
به این موضوع
حرف می زد.



!تشنه

اون
صدارو
شنیدی؟



فکر کنم
اون جلو
چیزی باشه.





چه غلطی
کردی؟!!



ریک!

من...



چیکار
کردی?!!

متأسفم
آقا...
واقعا
متأسفم.
فکر کردم
شما...



متأسفی?!!

می فهمی
چیکار
کردی?!!

می کشمت!

می کشمت
کثافتا!



ROBERT KIRKMAN

CHARLIE ADLARD

DAVE McCAIG

THE WALKING DEAD

DELUXE

image

9
FEB

10

2010-2020

دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی